

انجیل هشتاد و نهم



سابقه ترجمه انجیل به فارسی دست کم به قرن هشتم هجری/قرن چهاردهم میلادی؛ یعنی حوالی سال ۷۱۸ هجری می‌رسد. شرحی مبسوط از ترجمه انجیل در آن دوره و سیر رسیدن نسخه‌ای از آن به قرن هفدهم میلادی و از آن جا تا به امروز را روبرتو گلبنکیان در مقاله‌ای که در باره تاریخ ترجمه انجیل به پارسی نگاشته، آورده است.^۱ آن ترجمه می‌بایست در جریان تلاش مسیحیان برای توسعه آیین مسیحیت میان مغولان به انجام رسیده باشد. ترجمه انجیل دیاتسرون هم که متنی مرکب از چهار انجیل و درآمیخته به هم است، مربوط به عصر مغول است. فارسی‌شده کهن این متن نیز چاپ شده و آقای افشار در حال باز چاپ آن است.

گام‌های پسین در زمینه ترجمه انجیل، مربوط به هند دوره اکبرشاه (۱۰۱۴م) و ایران عصر شاه عباس صفوی (۹۹۶ - ۱۰۳۸) است. انگیزه ترجمه، همچنان گسترش تبلیغات دینی از سوی مسیونرهای مسیحی در آغاز عصر استعمار به بهانه نشر دین مسیحی است. البته و منهای تلاش مسیونرها، این دو پادشاه هم که افرادی کنجکاو و سیاسی بودند و در ضمن تمایل داشتند از افکار و اندیشه‌های سایر ملل به خصوص اروپائیان سر درآورند، زمینه این امر را فراهم کردند. سیر این ترجمه‌ها و تاریخ آنها خود مبحث مفصلی است که در مقاله یاد شده مورد توجه قرار گرفته است، هرچند اطلاعاتی وجود دارد که در آن مقاله نیامده و بسا پس از انتشار آن، در کتاب‌شناسی‌ها درج شده است. از آن جمله و تنها برای نمونه، ضمن تألیفات ابوالفضل بن الشیخ مبارک بن شیخ خضر یمنی‌الاصل هندی‌المسکن - که پس از فتح جنوب توسط جهانگیر از حیدرآباد به دهلی فراخوانده

شده، در راه کشته شده، و سر او برای جهانگیر ارسال گشت- ترجمه‌ای از انجیل یاد شده است.^۲ در دوره صفوی در ایران چندین ترجمه از انجیل به صورت ناقص یا کامل صورت گرفت. یکی از آنها همان انجیل محمدباقر خاتون‌آبادی (م ۱۱۲۷) بود که در سال ۱۳۷۵ توسط نویسنده همین سطور تصحیح و دو بار توسط نشر میراث مکتوب منتشر گردید. در مقدمه آن کتاب، شرحی مفصل از برخی از آثار مربوط به آیین و تبلیغات مسیحی در دوره صفوی، به دست داده شده است. به هر روی، کار ترجمه تا زمان آخرین سلطان صفوی؛ یعنی شاه سلطان حسین (م ۱۱۴۰) ادامه یافت.

نادرشاه (م ۱۱۶۰) را هم باید از جهاتی دارای شخصیتی کنجکاو- مانند آنچه در باره اکبرشاه و شاه عباس صفوی گفته شد- دانست. او با همه مشغله سیاسی و نظامی خود نه تنها اندیشه‌هایی برای نزدیکی مذاهب اسلامی داشت، بلکه تلاش کرد تا ترجمه روان و کاملی از تمامی کتاب مقدس فراهم آورد. به علاوه، وی به خوبی از قدرت اروپای مسیحی و رفت و آمد فراوان مسیونرها به نقاط مختلف جهان اسلام آگاه بود. طبعاً، چه از روی کنجکاوی و چه بر اساس مصلحت‌اندیشی‌های کلان‌تر، تمایل داشت یک متن منقح و کامل از کتاب مقدس در اختیار داشته باشد. خواهیم دید که وی علاقه‌مند بود بدانند آیا در کتاب مقدس اشاراتی وجود دارد که نشان دهد حق با شیعیان است یا نه. به هر دلیل بود در اندیشه ترجمه انجیل افتاد، چنان که شرح این درخواست در مقدمه همین انجیل آمده است. در این زمینه اطلاعاتی هم در منابع فرنگی در باره درخواست این ترجمه و چگونگی آن هست که مرور خواهیم کرد.

میرزا مهدی خان مترجم و دو دستیار

متن انجیل حاضر از عربی- به احتمال بسیار فراوان از نسخه‌ای چاپی که آن زمان فراوان بوده است- به فارسی درآمده و مترجمان هرکجا با مشکلی روبرو می‌شدند، از کشیشانی که به همین مقصود تعیین شده بودند، استفاده می‌کردند. بنابراین، مترجمان اصلی، ایرانی بوده و از کشیشان به عنوان دستیار استفاده می‌کردند. این مطلب مورد تأکید یکی از کشیشانی است که در کار ترجمه حضور داشته و بعد از آن هم نسخه‌ای با کمک یکی از مترجمان تهیه و برای واتیکان فرستاده است. وی می‌نویسد: «بار دیگر تکرار می‌کنم که نه من و نه پدر مسیونر، این ترجمه را انجام نمی‌دهیم، بلکه ایرانی‌ها از روی متن عربی انجیل رومی و به کمک ما این کار را به ثمر رسانده‌اند» (بنگرید به ادامه بحث).

در گزارش‌های موجود در باره مترجمان از سه مترجم یاد شده است: میرزا محمد مهدی استرآبادی، رئیس رقوم‌نویسان دربار نادری و سپس تاریخ‌نویس او که مسئولیت کار ترجمه را داشته است.

نام میرزا مهدی‌خان در دو نسخه از سه نسخه‌ای که در اختیار ما بود، یعنی نسخه ایران و پاریس نیامده، اما در نسخه واتیکان آمده است. گفتنی است که نسخه پاریس اساساً مقدمه‌ای ندارد. در نسخه کاخ گلستان که مقدمه نسبتاً مبسوطی دارد، نامی از میرزا مهدی خان نیست. بنابراین، تنها مستند ما در خود نسخه، بخشی از مقدمه نسخه واتیکان است که نام هر سه مترجم در آن آمده است. این مقدمه چنین است:

«... شرف نفاذ یافت که این بنده خاکسار ... و ذره بی‌مقدار الواثق بالله الجلیل محمد مهدی عقیلی به اتفاق فضلاء کرام و علمای اعلام دارالسلطنه اصفهان - صانها الله عن الحدثان - و دانشمندان رهبانان و دانایان ملت نصارا و یهودیان، ترجمه کتب آسمانی و تفسیر کلمات ملک ربّانی که عبارت از تورات و زبور وانجیل و قرآن مجید باشد، بنماید. امتثالاً للامر الاشرف الارفع الاقدس الاعلی داعی دوام دولت باهره زاهره قاهره نادره به معاضدت و مظاهرت عالی‌حضرت افادت و افاضت پناه حقایق و معارف آگاه جامع المعقول و المنقول حاوی الاصول و الفروع علامی فهّامی نُخبه الفضلاء العظام و زُبد سادات الکرام علامه العلامی میرمعصوم الحسینی الخاتون‌آبادی و ولد ارشد کامکار و فرزند اعزّ ارجمند از عمر برخوردارش اعنی عالی حضرت علامی فهّامی مستخرج الفروع من الاصول عمده الفحول نتیجه الفضلاء العظام و سلالة سادات الفخام نور دیده بینایی المؤید بلطف ربّه الخفی میرعبدالغنی و سایر ذوی الافهام

رهبانان و پادریان و کشیشان و قسیسان و احبار طایفه یهودان متوجه ترجمه کتب مزبوره گردیده، در شرح الفاظ آن به لغت فارسی سعی و جهد بلیغ به عمل آورد. با ملاحظه و استقصای جمیع الفاویل و شروحو که قبل از این شده، آنچه متفقاً علیه فرق مزبوره بوده به عبارت واضح در کمال اختصار در سلک تحریر کشید تا همه از آن منتفع گردیده ثواب آن به روزگار فرخنده آثار نواب اشرف اقدس ارفع اعلی عاید گردد».

در این باره که میرزا مهدی خان مترجم این اثر بوده، در منابع دیگر هم اطلاعاتی آمده است، اما قبل از بیان آن موارد، اجمالی از شرح حال وی را ارائه می‌کنیم.

میرزا مهدی‌خان عقیلی استرآبادی فرزند محمدنصیر در اصفهان بالید و از خواص دربار نادری گشت. کار او دبیری و نامه‌نگاری و سپس تاریخ‌نویسی بوده و در این باب، آثاری از وی برجای مانده است. در این میان، میرزا مهدی‌خان بیش از همه به کتاب *جهانگشای نادری و ذره نادره* شناخته شده است. متن اخیر توسط مرحوم استاد سید جعفر شهیدی تصحیح شده و وی شرح حال مؤلف را بر اساس مأخذ موجود نگاشته است. وی در سال ۱۱۶۰ از سوی نادر به سفارت به بغداد رفته بود که خبر کشته شدن نادر (یازدهم جمادی الثانیه ۱۱۶۰) را شنید و پس از آن از سیاست کناره گرفت. آقای شهیدی درگذشت وی را میان سال‌های ۱۱۶۲ - ۱۱۶۶ می‌داند، گرچه سال ۱۱۷۳ نیز محتمل دانسته شده است.^۳ بر اساس برخی از نوشته‌هایی که از وی مانده، زنده بودن او در سال ۱۱۷۲ مسلم است.^۴

مرحوم آقای شهیدی در میان فهرست تألیفات میرزا مهدی‌خان در مقدمه *ذره نادره* یادی از ترجمه انجیل نکرده و طبعاً آن را نمی‌شناخته است.

اطلاعات دیگری در باره میرزا مهدی‌خان در *الکواکب المشتهره* آمده است. منزوی می‌نویسد: میرزا محمدمهدی به همراه میرزا علی‌اکبر طالقانی ملاباشی و میرزا ابوالقاسم کاشی، سه شخصیت درجه اول ایران در دوره نادری بوده‌اند. در واقع، این سه نفر، طراح فکر تقریب میان مذاهب در دوره نادری بوده و متون و وثائق تنظیم‌شده به طور معمول به انشای میرزا مهدی‌خان بوده است. با این حال، نباید در تشیع او که استرآبادی نیز هست، ذره‌ای تردید کرد. نویسنده *الکواکب* شرحی از مؤلفات وی به دست داده، اما در این فهرست هم نامی از ترجمه انجیل برده نشده است.

مترجم بودن میرزا مهدی‌خان برای انجیل حاضر را منابع فرنگی وقت تأیید می‌کنند.^۵ افزون بر آن، منابع دیگر ایرانی هم مؤید آن است. سیدعبدالله موسوی جزائری شوشتری که در اردوگاه نادر شاه بوده، از این ترجمه استرآبادی و نسخه‌ای از آن که در اردوی نادر شاه بوده یاد کرده است. در یک مورد ذیل شرح حال قاضی‌زکی کرمانشاهی می‌نویسد:

«من در اردوگاه آذربایجان با وی بودم و با یکدیگر در باره ترجمه کتب اربعه الهیه گفت و گو

می‌کردیم. نسخه‌ای از آن در خزانه سلطان هست. قاضی اجازه گرفته بود تا آن را مطالعه کند و به وی

اجازه داده شد. او در باره برخی از نکات آن و مواضعی از آن که اشتباه بود، گفت و گو می‌داشت. وی

در سال ۱۱۵۹ کشته شد».^۶

شوشتری در جای دیگری هم ذیل شرح حال میرزا مهدی استرآبادی با وصف وی به عنوان «کان فاضلاً متکلماً، جامعاً للمعقول و المنقول» می‌نویسد: من او را در اردوگاه آذربایجان دیدم. ما در باره برخی از مسائل مهم با یکدیگر گفت و گو داشتیم. او همان است که کتب *اربعه الهیه* را به دستور سلطان وقت به فارسی درآورد.^۷

یک گزارش تازه و بکر دیگر در باره این ترجمه توسط میرزا مهدی‌خان داریم و آن مطالبی است که میرزا عبدالکریم کشمیری در این باره بیان کرده است. عبدالکریم کشمیری در زمان رفتن نادر به هند در شاهجهان‌آباد بود و بعد از آن به خدمت نادر درآمد. وی در ذکر حوادث دوران اقامت نادر در قزوین با اشاره به مباحث شیعه و سنی طرح شده در حضور نادر می‌نویسد:

«نادرشاه [از ملاباشی] پرسید که: تورات و انجیل در عالم موجود است؟ معروض داشت که هست.

نادر شاه احقاق حق این مسأله - یعنی امامت را - موقوف به شهادت کتب آسمانی گذاشته، مقرر فرمود

که میرزا مهدی کوکب اصفهانی در اوطان اهل تورات و انجیل رفته، هر دو کتاب مستطاب را به فارسی



مترجم نموده به حضور بیارد. چنان چه مشارالیه روانه منزل مقصود گردید و از ترس شاه شب و روز مشغول امر مأمور شد. در این ولا که شاه در بلده قزوین اقامت داشت، میرزا مهدی ترجمه هر دو کتاب را به حضور بنده عاصی معه هفت نفر عالم هر دو کتاب به خدمت سلطان آورد. چون [نادر] در این ایام مصروف و متوجه تهیه سرانجام تسخیر داغستان بود، لهذا مباحثه و احقاق مسأله مسطور را موقوف به وقت دیگر گذاشت و بعد از برگشتن از داغستان در نجف اشرف اجلاس فضلی فریقین نموده و علمای تورات و انجیل را نیز به واسطه اثبات حقیقت و ادای شهادت در محفل مباحثه حاضر ساختند»^۸.

ویژگی این گزارش چنان است که شرحی هم در باره علت تصمیم نادر در باره ترجمه انجیل به دست داده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دستیاران روحانی مترجم

میرزا مهدی خان دو دستیار روحانی از خاندان خاتون‌آبادی داشته است که پدر و فرزند بودند. ۱. میرمحمد معصوم حسینی خاتون‌آبادی (۱۰۷۶-۱۱۵۵) فرزند میرعبدالحسین خاتون‌آبادی. میرعبدالحسین مؤلف کتاب *وقایع السنین* است و خاندان او از خاندان‌های معروف و شناخته شده این دوره اصفهان و حتی دوره قاجاری به شمار می‌آیند. با این حال در خصوص میرمحمد-معصوم آگاهی‌های زیادی در دست نیست. مشتاق اصفهانی طی ابیاتی تاریخ وفات وی را سال ۱۱۵۵ نشان می‌دهد.^۹

مرحوم مهدوی در باره وی نوشته است:

میرمعصوم بن میرعبدالحسین عالم فاضل زاهد محقق بوده؛ گویند آقا محمد بیدآبادی خوابی در جلالت قدر و عظمت شأن او دیده و بدین جهت وصیت کرده است که در جنب او دفن کنند و همین موضوع علت اعتقاد بیشتر مردم شده است. در ۱۱۵۵ وفات یافته. ماده تاریخ وفاتش را خادم شاعر اصفهانی گوید:

زهد معصوم چون حدیثش بود باد او شافعی بلطف و کرم^{۱۰}

۲. میرعبدالغنی فرزند میرمحمد معصوم خاتون آبادی (م ۱۱۰۰ - ۱۱۵۵). در ملحقات وقایع السنین، ذیل حوادث سال ۱۱۰۰ آمده است:

« تاریخ ولادت سید سند فاضل عالم عامل امین عبدالغنی بن سید ورع زاهد عالم فاضل امیر محمد معصوم خلف صدق عالیحضرت علامه العلمائی امیر عبدالحسین الحسینی الخاتون آبادی در بیست و سوم شهر رجب سنه یک هزار و یک صد هجری که ماده تاریخ مغنی است و عمر سید مشارالیه شصت و یک سال و وفات سید فاضل در یوم دوشنبه غره شهر رمضان المبارک من شهرور سنه یک هزار و یک صد و شصت و یک [۱۱۶۱] و شیخ الاسلام دارالسلطنه اصفهان بوده. ^{۱۱} این در حالی است که در شجره نامه پایانی همین منبع، تاریخ درگذشت وی ۱۱۶۴ آمده است.»

گزارش منابع میسیونری در باره ترجمه انجیل نادری

در باره ترجمه در دوره نادری مطالبی را گلبنکیان بر اساس داده‌های کشیشان کارملی که آن زمان در ایران بوده و مشاور این طرح بوده‌اند، به دست داده است. در این جا متن نوشته وی را در شرح این ماجرا با مستندات آن ارائه می‌کنیم:

به دستور نادر شاه (۱۷۴۷-۱۷۳۶) تلاش قابل ملاحظه‌ای برای ترجمه متون مقدس در ایران صورت گرفت. پس از بازگشت پیروزمندانه شاه از هند در سال ۱۷۴۰، شاه فرمان سلطنتی برای ترجمه تحت اللفظی اسفار پنج‌گانه تورات، مزامیر، اناجیل و قرآن را به زبان فارسی صادر نمود. برای این منظور نادرشاه مورخ دربار، میرزا مهدی ^{۱۲}، را همراه با دو ایرانی تحصیل کرده دیگر به نام‌های میرمحمد معصوم حسینی خاتون آبادی و پسرش عبدالغنی مأمور کرد. میرزا مهدی و همکاران وی کار خود را در اصفهان آغاز کردند، جایی که چهار یهودی تحصیل کرده با هشت نفر مسیحی و چهار مسلمان دستیاران او بودند. آنان کار خود را در ماه مه ۱۷۴۰ شروع و یک سال بعد در ماه ژوئن ۱۷۴۱ به پایان رساندند. برای وصف آنچه که در خلال این مدت رخ داد، از دفتر وقایع تاریخی کارملیت‌ها در ایران مطالب قابل ملاحظه‌ای را نقل قول می‌کنیم:

اسقف فیلیپ ماری در نامه‌ای که به تاریخ چهارم نوامبر ۱۷۴۰ به جماعت مقدس sacred congregation در رم نوشته، اظهار می‌دارد که «من مجبور شدم بروم و به فرمان شاه به ترجمه فارسی اناجیل مقدس، مزامیر، اسفار پنج‌گانه تورات و... که همراه با میسونرهای دیگر از فرقه‌های مختلف در اصفهان... انجام می‌شد، کمک کنم. کشیش‌ها و روحانیون ارمنی نیز در ترجمه اناجیل شرکت داشتند. این ترجمه از روی نسخه عربی ولگات Vulgate [نسخه لاتین انجیل و مورد تأیید عمومی] که مورد قبول آنان نیز بود، انجام می‌شد. البته این امر نه از روی روح اطاعت و احترام برای کلیسای مقدس بلکه به سبب پرهیز از اختلاف بین نسخه ارمنی و نسخه لاتین انجیل بود. هم‌اکنون پنج ماه از شروع همکاری من در این کار می‌گذرد و معلوم نیست که چه زمانی پایان می‌پذیرد. در حال حاضر ما در آغاز انجیل یوحنا مقدس هستیم.» ^{۱۳}

در همان نامه کشیش تقاضای پرداخت طلب ۴۲۰ اسکودی scudi را می‌کند که ۲۴۰ تایی آن را شخصاً بابت هزینه اناجیل و متون مقدس طلب کرده است. در این صورت، به نظر می‌رسد که جماعت مقدس به طور ویژه هزینه این درخواست را تقبل کرده و کم و بیش به واسطه اهمیت این ترجمه پرداخت هزینه را از روی احتیاط به تعویق انداخته است. چنان که در خلاصه مطالب جلسه‌ای که در دهم ژولای ۱۷۴۱ برگزار شده، چنین آمده است:

«جماعت مقدس ضرورت نیاز به ارسال وجه ۴۲۰ اسکودی را برای این مأموریت تشخیص داده است.

بدون این که هیچ گونه دگری از مبلغ پرداختی بابت ترجمه یاد شده به میان آمده باشد. بنابراین، هیچ توافق رسمی در میان نمی‌بایست باشد تا این که زمان طرح آن برسد. این مطلب بسیار اهمیت دارد، زیرا شاه دستور انجام آن را صادر کرده و وی در حال حاضر شخص پیروز ایران و مایه وحشت آسیا است و باید در نظر

داشت که وی قصد پراکنده نمودن تمام مسیحیان از هر مذهب و فرقه در سرتاسر این سرزمین پهناور دارد تا از یک نفر پیروی کرده و فقط یک آئین مذهبی را انجام دهند (کاتولیک، ارمنی‌های انشعابی، نسطوری‌ها که کلدانی نیز نامیده می‌شوند، گرجی‌ها که دنباله‌رو آئین یونانی هستند و مسیحی‌های یحیی قدیس همگی مورد خطاب هستند؛ زیرا همه آنها یحیی قدیس تعمیم دهنده را پدیدآورنده اعتقادات و آئین دینی خود می‌دانند) و از آنجایی که ارمنی‌های انشعابی غالباً ثروتمند و قدرتمند هستند، آنها خواسته پادشاه را تأمین کرده و مذهب کاتولیک بدین ترتیب، مظلوم واقع می‌شود، در حالی که اگر عکس این مطلب رخ دهد، مذهب کاتولیک به شدت تثبیت شده و انتشار می‌یابد. خداوند کمکم خواهد کرد تا با قدرت مطلق خود این واقعه خیر رخ دهد.^{۱۴}

چند ماه بعد تمام این شرکت‌کنندگان، روحانیون، خاخام‌ها و رهبران کلیساهای کاتولیک و ارمنی برای ارائه ترجمه‌هایشان به قزوین فراخوانده شدند. چنین گزارش شده است که مخصوصاً کاتولیک‌ها و ارمنی‌ها بر اساس شایعه‌ای که نادرشاه می‌خواهد مسیحی شود، بسیار امیدوار بودند.^{۱۵} هیچ نقل قولی از اسقف فیلیپ ماری وجود ندارد که ماقوع آنچه را در حضور شاه رخ داده، شرح دهد، ولی مجدداً به توصیف ارزشمندی که پدر لیندر از کلیسای سنت سیسیل ارائه داده مراجعه می‌کنیم:

«زمانی که روز مقرر ملاقات حضوری شاه فرا رسید، همه با هم به در باغ هدایت شده و در آن جا توقف کردند. آنها با وحشت هر چیزی را نظاره می‌کردند، سپس اجازه ورود از در به مردانی از اقشار مختلف داده شد که ریسمان به گردن در برابر شاه قرار گرفتند. سپس در بهت و حیرت ما اینان را خفه کرده همچون حیوانات، جسد آنان را کشیده و نعش آنان به میدان‌گاهی پرتاب شد تا توسط جانوران وحشی دریده شوند. این منظره تقریباً یک ساعت طول کشید و در خلال آن ۱۸ نفر خفه شده و به میدان‌گاه پرتاب شدند. مترجمین فارسی به لرزه افتادند و یهودیان نیز چنین حالی داشتند. در نگاه ارمنی‌ها کمی جرأت دیده می‌شد، ولی کشیش‌های ما بیش از حد خشنود به نظر می‌رسند و امیدوار بودند که به فیض شهادت نائل شوند، به همین دلیل، بیش از اندازه راغب بودند... آنان مطلع شدند که زمان ورود ایشان فرا رسیده و فی الواقع مسیونرهای ما در ردیف اول پس از ملاحای ایرانی قرار گرفتند. سپس یهودی‌ها و در آخر ارمنی‌ها جای داشتند و در دست هر یک از نمایندگان اصلی این دسته‌ها ترجمه کتاب‌های مورد نظر موجود بود. سپس پادشاه از هر یک در مورد اتمام ترجمه کتاب مربوطه سؤال کرد و آنان پاسخ دادند که کار به پایان رسیده و آن را با خود آورده‌اند. به مجرد دریافت ترجمه‌ها بدون این که نظری به آنها بیاندازد، از کیفیت محل اقامت آنان سؤال نموده و زمانی که آنها پاسخ دادند، به علامت تصدیق، ایشان را مرخص نموده و گفت که آنان را از زمان بازگشتشان مطلع خواهد ساخت. هر چند که پس از آن هیچ وقت آنها را احضار نکرد، ولی به ایشان ۱۰۰ تومان داد که بین خودشان تقسیم کنند. کار تقسیم پول بر اساس تعداد مترجمین صورت گرفت و تعداد مسیونرهای ما سه نفر بود که ۱۵ تومان دریافت کردند... یهودی‌ها چهار نفر بودند و ۲۰ تومان گرفتند و به ارمنی‌ها که ۵ نفر بودند ۲۵ تومان و به ملاحای ایرانی که ۸ نفر بودند ۴۰ تومان رسید.»^{۱۶}

پدر سویگنس از جلفای اصفهان در بیست و ششم ماه مه ۱۷۴۴ چنین می‌نویسد:

«از آن هنگام به بعد ما هیچ اطلاعی از این اثر به دست نیاوردیم و هر گونه تلاش ما برای دستیابی به یک نسخه از آن بی‌نتیجه مانده؛ در نتیجه تمام امید ما قطع شده است.»^{۱۷}

بعدها در نامه‌ای که به کاردینال اعظم در تاریخ ۲۸ آوریل ۱۷۴۶ از اصفهان نوشته، اسقف فیلیپ ماری از تأثیری که سفر به تبریز و تغلیس بر او گذاشته یاد می‌کند و در سال ۱۷۴۵ در گرجستان چنین می‌نویسد:

«من بخت آن را داشتم که ترجمه کتاب انجیل اربعه را بیابم که در اصفهان انجام شده بود: همچنان که به حضرت والا اطلاع دادم، مترجم فارسی از این که نسخه‌ای به من بدهد امتناع کرد و گفت که بدون فرمان سلطنتی این کار را انجام نخواهد داد. من نسخه‌ای از روی آن استنساخ نمودم و هم اکنون این رونوشت در اصفهان است. من نسخه دومی هم نوشتم که بر اساس دستورات جماعت مقدس این کتاب احتمالاً به رم رسیده باشد و نمی‌دانم آیا من آن را با خودم بیاورم یا در فرصت دیگری آن را بفرستم. اگر یک نسخه گم شود، نسخه دیگر همیشه موجود خواهد بود و من این کار را به کمک کاتبی که یکی از همین مترجمین است انجام می‌دهم. هرچند که من نوشته‌ام که مترجمین انجیل مقدس ایرانی بودند، بار دیگر تکرار می‌کنم که نه من و نه پدر مسیونر، این ترجمه را انجام نمی‌دهیم، بلکه ایرانی‌ها از روی متن عربی انجیل رومی و به کمک ما این کار را به ثمر رسانده‌اند، با این

وجود، ارمنی‌ها و من به همراه پدران مسیونر به ایشان کمک می‌کنیم».^{۱۸}

یکی از این نسخه‌ها به رم رسید و هم‌اکنون در کتابخانه واتیکان یافت می‌شود. این نسخه در ماه رجب ۱۱۵۹ هجری (جولای-اگوست ۱۷۴۶ میلادی) نگاهشته شده و به اتمام رسیده است. در داخل کتاب یادداشتی چسبانده شده که تاریخ چهارم نوامبر ۱۷۴۱ [شاید: ۱۷۴۹] روی آن آمده است. در این تاریخ پدر فیلیپ ماری هشدار می‌دهد که ترجمه‌ای که در این نسخه قدیمی موجود است «از روی متن ترجمه عربی از نسخه لاتین انجیل» توسط ایرانیان مقیم اصفهان صورت گرفته و مسیونرها و پدران ارمنی فقط «برای درک بهتر برخی عبارتها، مقابله متن کتب مقدس و توضیح واژه‌های مشکل» به ایشان کمک کرده‌اند.^{۱۹}

اسقف فیلیپ ماری در اصفهان در سال ۱۷۴۹ درگذشت بدون این که مسافرت موعود خود به رم را انجام داده باشد. این امکان وجود دارد که نسخه یاد شده بالا که در کتابخانه واتیکان است، نسخه‌ای باشد که توسط دیوید شریمان (David Sheriman) یک ارمنی اهل لگورن (Leghorn) آورده شده است. در ۲۹ ژانویه ۱۷۴۸ این شخص، به کاردینال اعظم یادآور می‌شود که آراشیل (Arachiel) پسر پاول (که خود یک ارمنی است) که از اصفهان به اسمیرنا عازم شده، از این شهر کتابی برای او فرستاده که شامل ترجمه انجیل مقدس به زبان فارسی است و به کاردینال پترا- (Petra) تعلق دارد.

دیوید شریمان از کاردینال اعظم می‌خواهد که وی را برای مطالعه کتاب راهنمایی کند.^{۲۰} همچنان جالب است که می‌بینیم به دلایل مشابه آنچه در باره گزاویه و جان تادئوس گذشت [در مباحث پیشین مقاله]، اسقف فیلیپ ماری همچنان تأکید می‌کند که کارملیت‌ها و مسیونرهای پیرو آنان دخالتی در کار ترجمه نداشته‌اند. این هم شگفت است که نه فیلیپ ماری و نه هیچ فرد کارملیت دیگری هرگز ترجمه اول جان تادئوس را که در خلال سال‌های ۱۶۱۶-۱۶۱۸ انجام شده در مجموعه

خود در ایران نداشته‌اند. هر چند که این نسخه باید استنساخ شده و اساساً در مناظرات مذهبی آنان با ایرانیان و نیز در مأموریت انجیلی خود در میان مسیحیان بومی مورد استفاده قرار می‌گرفته باشد.^{۲۱}

نسخه‌های مورد استفاده در تصحیح

متن حاضر بر پایه سه نسخه فراهم آمده است: نخست نسخه‌ای که در کاخ گلستان نگهداری می‌شود و اکنون زیر نظر سازمان میراث فرهنگی است. دوم نسخه‌ای که در کتابخانه ملی فرانسه است. سوم نسخه واتیکان. شرحی در باره این سه نسخه و ویژگی‌های آنها ارائه می‌دهیم.

الف: نسخه کاخ گلستان با خط نسخ زیبا نوشته شده و سرلوحه مذهب زرافشان دارد و این نشانگر سلطنتی بودن این نسخه است که ما از آن به عنوان نسخه «م» متعلق به میراث فرهنگی یاد کرده‌ایم. مع الأسف این نسخه توضیحاتی در باب کاتب و زمان کتابت ندارد و آخرین کلمات آن، کلمات انتهایی انجیل یوحناست. با این حال مقدمه مهمی دارد که دو نسخه دیگر آن را ندارد. این مقدمه شرح چگونگی تألیف این کتاب است. خواهیم دید که نسخه واتیکان مقدمه کوتاهی جز این مقدمه مفصل نسخه میراث فرهنگی دارد.

نسخه مزبور ۳۴۸ صفحه و هر صفحه مشتمل بر ۱۷ سطر است و دست کم در دو مورد صفحات آن به اشتباه صحافی شده است. نکته مهم آن است که علامت (*) که میان فقرات انجیل گذاشته شده است، صرفاً در این نسخه آمده و در دو نسخه دیگر چنین علامتی را مشاهده نمی‌کنیم. این نسخه به شماره ۲۸۰۱ در کتابخانه کاخ گلستان ثبت شده است.

ب: نسخه دوم متعلق به واتیکان است که از آن با علامت اختصاری «و» یاد کرده‌ایم. این نسخه از ابتدا افتادگی دارد و از مقدمه تنها یک صفحه، آن هم صفحه‌ای که بخشی از سطور نخستین آن از بین رفته، برجای مانده است. حدس می‌زنیم از این نسخه، فقط صفحه آغازین مقدمه که صفحه تحمیدیه و صلواتیه بوده، افتاده باشد، اما نکته جالب آن است که همین مقدار باقی مانده با مقدمه مفصل نسخه «م» مختلف و از اساس فرق دارد. البته اشارت مهم آن این است که از نادرشاه و دستور او برای ترجمه یاد کرده و نام مترجم اصلی و مترجمان دستیار در آن آمده است. این نسخه ۲۲۱ صفحه ۲۱ سطری و مشتمل بر انجیل اربعه است. تنها مشکل آن این است که گوشه‌ای از سطور صفحات نخست کتاب آسیب‌دیدگی پیدا کرده، همان آسیب‌دیدگی که مقدمه را جز بخش کوتاهی از میان برده و از صفحه نخست انجیل متی هم تعداد بیشتری سطر از میان رفته است.

این نسخه تاریخ اتمام ترجمه یا کتابت دارد با این عبارت: «قد تمت الأناجیل الأربعة [در اصل: الرابع] فی شهر رجب المرجب من شهر سنة ۱۱۵۹». نسخه مزبور در فهرست نسخ خطی واتیکان هم معرفی شده است.^{۲۲} شرحی در باره این نسخه و این که چگونه به واتیکان رسیده پیش از این گذشت.

ج: نسخه سوم متعلق به کتابخانه ملی پاریس است که آقای ریشار آن را معرفی کرده است. این نسخه که از آن با علامت اختصاری «ف» یاد کرده‌ایم، بازاری و کم‌ارج است، زیرا مع الأسف با بی‌دقتی تمام نگاهشته شده است. نسخه مزبور اولاً سقط فراوان دارد، به حدی که یادآوری آن در پاورقی بیهوده به نظر آمد. گاه این موارد از یک سطر به بالاست. ثانياً آن که در بسیاری از موارد، کاتب به دلیل ناتوانی در خواندن متن، صورت کلمات را نقاشی کرده و در این رویه به

باب اول

۲ یهورا ابتدا کلمه وان کلمه نرو خدا یهور وان کلمه خدا یهور * ویهان
 ۳ در نرو خدا یهور * وهر چیز بوساطت او موجود شد وبقیر اورو
 ۴ هیچ چیز از چیزهای که موجود شده است وجود نیابت * وراو
 ۵ حیات یهور وان حیات روشنائی انسان یهور * وان روشنائی
 ۶ در تاریکی می درخشید و تاریکی در نمی یافتش * شخصی یهور که
 ۷ از جانب خدا فرستاده شده که اسمش یحیی یهور * واد برای
 ۸ شهادت آمد تا آنکه شهادت بر آن نور دهد تا آنکه همه بوساطت
 ۹ او ایمان آورند * واد خور روشنائی نبور بلکه آمده بود که بر آن
 ۱۰ روشنائی شهادت بدهد * وروشنائی حقیقی آن است که
 ۱۱ هر کس را که بجهان در می آید منور میگرداند * واین در جهان
 یهور و جهان بوساطت او پدیدگشت وجهانش نمی شناخت
 ۱۲ * و بسوی خاصان خویش آمد وایشان بند و خندش * وچند که
 بند و خندش ایشان را قدرت واد که فرزندان خدا بشوند وایشان
 ۱۳ بوزند که با سمش ایمان آورند * و تولد ایشان از اختلاط واز
 خواهش جسمانی و خواهش نفسانی نبور بلکه محروم از خدا یهور
 ۱۴ * وان کلمه مجسم شده در میان ما قرار گرفت و تجلی او را ما
 دیدیم وان تجلی یهور که شایسته نگاه بدر یهور ویر از مهربانی

خطا رفته است. این موارد به قدری زیاد است که قابل ثبت در پاورقی نیست، به خصوص که در متن انجیل که متن روشنی است، یاد از این قبیل خطاها بی معناست. البته در موارد دیگر، اختلافات جزئی وجود دارد که تفاوت مفهومی چندانی ندارد. لذا این موارد را هم اشاره نکردیم مگر آن که فایده‌ای ادبی بر آن مترتب باشد، به مانند آن که در جایی «حیات دائمی» به «زندگی جاوید» ترجمه شده است. این موارد بسیار اندک است.

یادآوری این نکته لازم است که در نسخه «ف» هم در موارد اندکی شرحی کوتاه در باره مواردی از متن در حاشیه آمده است که آنها را در پاورقی آوردیم. این نسخه شامل ۲۰۳ برگ و هر صفحه آن مشتمل بر ۱۲ سطر است. هر دو نسخه «م» و «ف» فاقد خاتمه، در یادآوری نام کاتب و تاریخ کتابت است.

در فراهم آوردن متن حاضر، نسخه کاخ گلستان با علامت اختصاری «م» برای ما - به جز موارد بسیار جزئی - نسخه اصل به شمار می‌آید؛ زیرا نسخه‌ای دقیق است که کمتر عبارت و کلمه خطایی در آن راه دارد. به علاوه، بسیار زیبا و سلطنتی است و به همین دلیل در کتابت آن دقت فراوان شده است. افزون بر آن، مقدمه مهمی که در این نسخه هست، در دو نسخه دیگر نیامده است.

با این حال این نسخه نیز بی‌مشکل نیست. یک مشکل آن این است که از اواسط انجیل لوقا به بعد و بیشتر در انجیل یوحنا در سطرهای پایین، در هر صفحه، کلمات و گاه چند سطر محو شده و گویا مابقی روی آن ریخته شده است. ما در این موارد از دو نسخه دیگر استفاده کردیم.

یک تفاوت دیگر نیز میان این نسخه و نسخه واتیکان «و» که به لحاظ اعتبار در رتبه بعد قرار دارد هست و آن این که نسخه واتیکان در مواردی ویرایش متفاوتی از متن ارائه کرده است. در این ویرایش گاه عبارات و تعبیرات، متفاوت از

نسخه «م» است، طوری که ما موارد مهم را به نوعی در پاورقی آورده‌ایم، اما مواردی که جزئی است مثل این که «که» در متن واتیکان، پیش از بسیاری از نقل قول‌ها نیامده یا به جای «آن» «این» ضبط شده یا جای کلمات در عبارت پس و پیش و یا عوض شده است (برای نمونه به جای «گفت به ایشان» «به ایشان گفت» آمده است) در این موارد سعی کردیم متن روان‌تر را انتخاب کنیم، اما نسخه بدلی نیابردیم. برخی از تفاوت‌ها در انتخاب کلمات فارسی‌تر است که این موارد را نیز غالباً گزارش کرده‌ایم. به طور کلی متن واتیکان در مواردی به لحاظ ادبی اندکی روان‌تر تنظیم شده است. گفتنی است که نسخه «ف» و «و» در برخی جهات شباهت به یکدیگر دارد، اما چنان که خواهد آمد، اساساً نسخه «ف» به دلیل تعجیل و بی‌توجهی، متنی غیر قابل اعتماد است.

همان گونه که اشاره شد، اصل تصحیح بر پایه نسخه «م» است، اما برای روانی عبارت گهگاه در حد کم و زیاد کردن برخی از حروف یا جابه‌جایی کلمات، از «و» استفاده کردیم. تفاوت‌های جدی‌تر میان آن دو را در پاورقی آوردیم. گاهی هم که کلمه و تعبیر و جمله‌ای که در «و» بوده در متن در کروش آورده و در پاورقی آن را گوشزد کرده‌ایم.

در نسخه «م»، توضیحات بسیار کوتاهی گهگاه زیر سطور در شرح کلمات و تعابیر متن نوشته شده که آنها را با قید این که مربوط به «م» است در پاورقی آورده‌ایم.

اشارتی در باب چند ترجمه

از میان ترجمه‌های ایرانی انجیل سه ترجمه را می‌شناسیم. از دوره صفوی همان ترجمه انجیل اربعه خاتون‌آبادی که در سال

۱۳۷۵ به کوشش ما چاپ شد. دیگر همین ترجمه که از آن با ترجمه نادرشاهی یاد کرده‌ایم و این به دلیل آن است که این کار به دستور نادرشاه انجام شده است. سوم ترجمه دوره عباس میرزا که به نام ترجمه سلماسی است.

اما نخستین ترجمه فارسی چاپ شده از انجیل، از هنری مارتین است که نخستین بار در سال ۱۸۳۷ و سپس در سال ۱۸۷۶ همراه عهد عتیق ترجمه فاضل‌خان همدانی در لندن چاپ شد. روی صفحه عنوان آن آمده است: «کتاب پیمان تازه خداوند و رهانده ما عیسی مسیح که از لسان اصلی یونانی به فارسی ترجمه کرده افضل الفضلاء المسیحیه هنری مارتین کشیش انگلیسی است.» چاپ اول در اختیار ما بود و صفحه‌ای از آن را در انتهای این مقدمه گراور کرده‌ایم. اخیراً انتشارات اساطیر اقدام به نشر مجدد چاپ ۱۸۷۶ کرده است.

در ترجمه حاضر، مواردی وجود داشت که بسا برای خواننده‌ای که نخستین بار این متن را می‌خواند و با آن ناآشناست، ابهام داشت. تلاش کردیم تا این موارد را با چاپ هنری مارتین تطبیق کرده و در پاورقی یادآوری کنیم.

اسامی افراد که در این ترجمه آمده - و از متن عربی اصل گرفته شده بود - با آنچه برای مثال در ترجمه هنری مارتین آمده بسیار متفاوت است. آشکار است که غالب بلکه همه آنها تلفظ مختلف و نه غلط محسوب می‌شود. با این حال، ما شکل ترجمه خود را حفظ کردیم و تطبیق را بر عهده خواننده اهل مراجعه گذاشته‌ایم. چند موردی را هم برای مفهوم کردن عبارت از چاپ انجمن کتاب مقدس که ترجمه‌ای روان و عمومی است، استفاده کردیم. البته در زمینه اسامی اجداد عیسی مسیح، مواردی که در نسخه‌های ما کاملاً غلط بود، بر اساس متن عربی که پایه این ترجمه بوده، اصلاح شد.

نکته دیگر آن که انجیل روزگاری با فصل - بندی تقسیم شده بود و بعدها این تقسیم‌بندی کنار گذاشته شد و به صورت اصحاح درآمد. نسخه پایه ما که همان «م» است و همین طور نسخه «و» صرفاً بر اساس «اصحاح» است و اشارتی به فصول

ندارد. در نسخه «ف» همچنین است، اما شماره‌های فصول هم در حاشیه نوشته شده است. گرچه در مواردی اشتباهاتی در ترتیب آن رخ داده است. ما در چاپ انجیل خاتون‌آبادی هر دو تقسیم‌بندی را آوردیم، اما در این چاپ، تنها به ذکر شماره اصحاب بسنده کرده‌ایم.

اما تعیین فقرات در انجیل، در نسخه «م» به صورت علامتی خاص معین شده، اما شماره‌ای ذکر نشده است. ما این علایم را درست به همان صورتی که در نسخه «م» بوده با ستاره آورده‌ایم. این علایم در دو نسخه دیگر نیست.

از آنجا که دو تن از خاندان خاتون‌آبادی از دستیاران میرزامهدی استرآبادی در کار ترجمه این متن مشارکت داشته‌اند، این احتمال به ذهن می‌آید که بسا ترجمه حاضر از روی ترجمه محمدباقر خاتون‌آبادی یا با الهام از آن تهیه شده باشد. برای این کار بخش‌هایی از ترجمه خاتون‌آبادی با متن حاضر مقایسه شد، اما روشن شد که به رغم آن که هر دو با فاصله تقریبی ۴۰ سال انجام شده و زبان و ادب فارسی در یک سطح است، اما به هیچ روی ترجمه استرآبادی از روی ترجمه نخست نوشته شده است. با این حال، روانی هر دو ترجمه به یک اندازه و قالبی که برای انتخاب شده یکسان است.

بدین ترتیب، پس از گذشت بیش از ده سال از انتشار انجیل خاتون‌آبادی، در آستانه انتشار انجیل نادرشاهی هستیم که امیدوارم اجازه نشر یابد.

انتشار این انجیل نشان از تلاشی است که ایرانیان برای شناخت فرهنگ اروپا داشته‌اند. این اقدام یکی از نخستین اقدام‌ها برای شناخت فرهنگ غرب به شمار می‌آید. روشن است که انگیزه نشر آن صرفاً از دید یک مورخ بر این پایه بوده است تا فرهیختگی ایرانیان را در برخورد با فرهنگ جهانی به خصوص فرهنگ دینی مسیحی نشان دهد. در اینجا از همه کسانی که برای دستیابی بنده به نسخه‌های این کتاب تلاش کردند، ابراز می‌دارم.

پی‌نوشت‌ها:

1. *The Translation of the Four Gospels into Persian*, Dr. Roberto Gulbenkian, 1981.

۲. *مستدرکات اعیان الشیعه*، ج ۵، صص ۶۷-۶۸

۳. بنگرید: *دوره نادره*، تصحیح جعفر شهیدی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۱، مقدمه، ص مژ.

۴. *الکواکب المنتشرة*، ص ۷۵۶

2. Ettore Rossi, *Elenco dei Manoscritti persiani della Biblioteca Vaticana*

واتیکان، ۱۹۴۸، صص ۱۷۲-۱۷۳ در آن‌جا اسامی این سه تن به عنوان مترجم آمده است.

۶. *الاجازة الکبيرة*، تحقیق محمد سمّامی حائری، قم، ۱۴۰۹ق ص ۱۴۰

۷. *الاجازة الکبيرة*، ص ۱۹۱.

۸. *بیان واقع*، تصحیح دکتر بی‌نیسیم، پاکستان، ۱۹۷۰، صص

۱۱۱-۱۱۲.

۹. دیوان غزلیات و قصائد و رباعیات مشتاق، به کوشش حسین مکی، تهران، مروج، ۱۳۱۸ش، ص ۱۶۷

۱۰. تذکره القیور (مصلح الدین مهدوی، اصفهان، ۱۳۴۸)، ص ۹۳

۱۱. وقایع السنین و الاعوام، عبدالحسین خاتون آبادی، به کوشش محمد باقر بهبودی، تهران، اسلامی، ۱۳۵۲، ص ۵۵۱.

3. khatchatour Abegha Djoughayetsi, History of (تاریخ فارسیان) Persians, Vagharshabad, ۱۹۰۵ (صص ۲۶۳-۲۶۴، به زبان ارمنی)، صص ۶۳۴-۶۳۶ و ۹۸۶-۹۸۷

4. *A Chronicle of the Carmelites in Persian and the Papal Mission of the XVIIth and XVIIIth centuries*

۶۳۴

۱۴. همان، جلد اول، صص ۶۳۴-۶۳۶ و ۹۸۶-۹۸۷

۱۵. همان، جلد اول، صص ۶۳۷ و ۹۸۶-۹۸۷

۱۶. همان، جلد اول، صص ۶۳۷-۶۳۸ و ۹۸۷-۹۸۸

5. *Lettres Edifiantes et Curieuses concernant L'Asie, l'Afrique et l'Amerique avec quelques relations nouvelles des missions et des notes geographiques*, ۴۴۳-۴۴۴، پاریس، ۱۸۷۵-۱۸۷۷، صص ۴۴۳-۴۴۴

6. *A Chronicle of the Carmelites in Persian and the Papal Mission of the XVIIth and XVIIIth centuries*,

لندن، ۱۹۳۹، w ۶۳۸، در ص ۹۸۸ نویسنده ترجمه انگلیسی نسبتاً متفاوت از نامه را ارائه داده است.

7. Ettore Rossi. *Elenco dei Manoscritti persiani della Biblioteca, Vaticana*, ۱۷۳-۱۷۲، واتیکان، ۱۹۴۸، صص ۱۷۲-۱۷۳

۲۰. همان، جلد اول، ص ۶۳۸

8. *The Translation of the Four Gospels into Persian*, Dr. Roberto Gulbenkian, 1981 p. 70-74

9. Ettore Rossi, *Elenco dei Manoscritti persiani della Biblioteca, Vaticana*, ۱۷۳-۱۷۲، صفحات ۱۷۳-۱۷۴، واتیکان، ۱۹۴۸، صص ۱۷۳-۱۷۴